

ادامه از صفحه ۶

روحانی نیاز به یک پیروزی ملموس دارد

آن زمان در مواجهه با این افراد می‌گفتم سخن‌گفتن امثال او چه لطمه‌ای به شما می‌زند؟ اگر به‌جای رفتارهای قهرآمیز، به او احترام بگذاریم و سکوت کنیم تا حرفش را بزند و تشکر کنیم که از ما انتقاد می‌کند، بیشتر قدرت خود را نشان داده‌ایم یا چرا مانند تازه‌به‌دوران‌رسیده‌ها و بی‌خردان به صورت او خنج بیندازیم و او را مضروب کنیم؟ ما خیلی قوی‌تر از این هستیم که بباییم و از صحبت فردی جلوگیری کنیم که می‌دانیم درهر حال فردی خوب و با حسن‌نیت است، ولی عقایدش با ما فرق دارد. بهتر است در دنیای امروز که اخبار و اطلاعات در گردش است و دیگر در انحصار دولت‌ها نیست سعی نکنیم فضای اطلاع‌رسانی را به انحصار خود دربیآوریم. اگر منظور از این اقدامات این است که اطلاعات به مردم نرسد، مسلما به بیراهه می‌رویم. جوانان به‌هر حال بیش از من و شما اطلاع دارند. پس بهتر نیست ما رفتار معقولی داشته باشیم و کمی فضا را باز کنیم؟ البته اصحاب رسانه هم باید بدانند که کشور قانون دارد و باید حرمت مقدسات رعایت شود و شئون منافع ملی ما را حفظ کنند. من که طرفدار تامین حقوق ملت هستم، اگر به مقدسات توهین شود یا اگر توجهی به منافع ملی نشود، آزرده می‌شوم و فکر می‌کنم دیگران هم همین‌طور هستند.

■ در همین رابطه، چندی‌پیش سخنان آیت‌الله موسوی‌بخنوردی برادر شما خبرساز شد. سخنان ایشان در تضاد با رای و نظر شما درخصوص حقوق بشر بود. چه پاسخی برای ایشان دارید؟ سوال شما در رابطه با برادر بنده است. اول نظر خودم را می‌گویم. از نظر من قانون‌اساسی تفاوتی بین آحاد شهروندان نگذاشته و همه را با یک چشم دیده است. شخصا معتقد هستم که هر ایرانی باید از حقوق شهروندی برخوردار باشد و هیچ فرقی بین سنی و شیعه، یهودی و زرتشتی و حتی افرادی غیراز صاحبان این ادیان مانند بهایان، در برخورداری از حقوق شهروندی در قانون‌اساسی ما وجود ندارد. اما از زبان برادر من که مجتهد و صاحب فتوا نیز هست، مسایل به‌گونه‌ای دیگر مطرح شد. طی مذاکراتی که شخصا با ایشان داشتم دیدم که ایشان معترف است به اینکه همه از حقوق شهروندی برخوردار هستند. ایشان برای من توضیح دادند که مصاحبه‌کننده به‌گونه‌ای سوال پرسیده و متاسفانه مساله را به شکلی دیگر مطرح کرده است. منظور ایشان بهایان محارب است، یعنی کسانی که با نظام جمهوری اسلامی سر جنگ دارند. ■ این موضوع که محدود به بهاییان نمی‌شود، مسلمانانی که با نظام جمهوری اسلامی بجنگند هم شامل همین مساله خواهند شد. احسنت، بحث برسر همین است. حکم محارب محدود به بهاییان نیست، هر کسی دست به محاربه بزند از حقوق شهروندی محروم می‌شود.

روزنه

رییس جمهوری:

طرح امکان سنجی

انتقال پایتخت سیاسی می‌تواند مشکلات کنونی را به حداقل برساند

● ایسنا:رییس‌جمهوری در پیامی به همایش «تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت» گفت: بی‌شک «طرح امکان‌سنجی انتقال پایتخت سیاسی و اداری کشور و ساماندهی و تمرکززدایی از تهران»، در صورت پیگیری جدی می‌تواند در افق‌های زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، مشکلات و تنگناهای موجود را به حداقل رسانده و به شکل مطلوب مرتفع سازد.

جلیلی:

هیچ فردی حق ندارد آرای مردم را وتو کند

● فارس: سعید جلیلی، نماینده مقام‌عظم‌رهبری در شورای‌عالی امنیت ملی پیرامون فتنه ۸۸ و علت محاکمه‌نشدن سران فتنه گفت: آنچه از منابع قدرت نظام است همراهی مردم با نظام و مردم‌سالاری دینی است که همین موضوع نیز طرف مقابل را نگران کرد. او افزود: هیچ فردی حق ندارد آرای مردم را وتو کند و اینکه منابع قدرت و ثروت بخواند رای مردم را تعیین کنند. چه در سال ۹۲ و چه در سال ۸۸ و چه در دیگر سال‌ها.

علی کفاشیان پشت میز نشسته است؛ ظاهرا مشغول صحبت با یکی از منتقدانش است؛ صدایش آهسته است ولی به گوش می‌رسد: «آخر وقتی از من سوال بی‌اساسی پرسیده می‌شود من هم جواب این شکلی می‌دهم». اشاره‌ای به مصاحبه بعد از انتخابات هیات استان تهران دارد که خیلی‌ها صحبت‌های طنز رییس درباره «بوداربودن» این انتخابات را مورد نقد قرار داده بودند. با این حال از پشت‌میز که بلند می‌شود همان لیخند همیشگی را روی لبش دارد. از میز ریاست فاصله می‌گیرد تا روی صندلی‌های چرمی روبه‌رو بنشیند. کتش را کمی مرتب می‌کند و خوشامد می‌گوید. قرار مصاحبه تقریبا ۲۰ دقیقه از زمانی که تعیین شده بود دیرتر شده و مسوول دفتر او هم خطاب به رییس می‌گوید که برنامه ساعت ۱۰ سرچای خودش است! شاید می‌خواست به ما بفهماند که زمان زیادی برای گفت‌وگو نداریم. باین‌حال وقتی سوالات شروع می‌شود زمان کم می‌شود. علی کفاشیان با سرعت مثال‌زدنی‌ای پاسخ‌های طولانی می‌دهد و سعی می‌کند چیزی را از قلم نیندازد. البته در طول مصاحبه زیاد خبری از جواب‌های طنز نبود و رییس فدراسیون فوتبال گرم پاسخ‌دادن به سوالاتی شده بود که او را از هفت‌سال پیش به زمان کنونی رساند.

■ «من به‌صورت تحمیلی و اشتباهی رییس فدراسیون فوتبال شدم». اگر زمان به عقب برگردد شما باز هم این جمله را می‌گویید؟ بله. فرقی نمی‌کند. حضور من در فدراسیون فوتبال برنامه‌ریزی نشده بود و این‌طور نبود که من بگویم گزینه خوبی هستم و داوطلب شوم. به‌هر حال دست روزگار بود که من در این مسیر قرار داد. این را هم بگویم که آن‌زمان بحث این نبود که چه کسی بیاید ریاست فوتبال را به دست بگیرد و آن را اداره کند. یا اینکه فوتبالی، تحصیلات لازم داشته باشد و غیره. بحث آن‌زمان این بود که فوتبال از بحران خارج شود. بحران هم طوری بود که ظاهر اگر من می‌آمدم برطرف می‌شد چون بحث چندکندید بود که آمدند و خط خوردند، باز ثبت‌نام کردند و رفتند...، حتی همین حالا هم اگر زمان به عقب برگردد و از من بخواهند کاندیدی ریاست فدراسیون فوتبال شوم می‌گویم نه، چون هیچ‌برنامه‌ای برای فوتبال نداشتم.

■ می‌خواستیم دقیقاً به همین موضوع برسیم. اینکه آدم وقتی به‌صورت ناخواسته صاحب پستی به این مهمی می‌شود، طبیعتاً برنامه مدونی ندارد. برنامه‌ریزی شما برای فدراسیون فوتبال و در کل، فوتبال کشور از کی شروع شد؟ اصلا برنامه‌ای وجود داشت؟

خب من کمتر دیده‌ام کسی بیاید سمتی را قبول کند و بگوید من برنامه مدونی داشته‌ام. طرف را آورده‌اند و گفتند کار را شروع کن. اینکه کسی با این شکل سر کار بیاید و بگوید کار را با برنامه مدون شروع می‌کنم، نه، واقعا این‌طور نیست و خیلی‌ها از نو شروع کردند.

■ ولی شما که قبل از فدراسیون فوتبال سابقه مدیریتی داشتید...

نمی‌خواهم بگویم در پست مدیریتی آدم صفرکیلومتری بودم. من با فوتبال از هشت‌سال قبل از رییس‌فدراسیون‌شدن آشنا بودم؛ زمان جناب دکتر دادکان من رییس مجمع فدراسیون شدم. معاون ورزشی بودم، دبیرکل کمیته ملی المپیک بودم و در مجامع شرکت می‌کردم و بالاخره از بیرون آشنایی‌ای با فوتبال داشتم. ولی از درون با چنین تشکلاتی و چنان اساستما‌های، نه. شرایط جوری بود که به ما گفتند این اساستما، این نفرات و این هم از کار، بفرمایید شروع کنید! بالاخره وقتی شرایط این‌طور باشد، طبیعی است که نه من، هرکس دیگری هم باشد نمی‌تواند برنامه مدونی داشته باشد.

■ پس اولین گام کلا آشنایی بود. درست است؟ بله، اول سعی کردیم با دوستان آشنا شویم، ببینیم چه افرادی هستند، اسم کوچکشان چیست، اسم بزرگشان چیست، فامیلی آنها چیست؛ به‌هر حال موضوع تقویض اختیارات بود که صورت گرفت و بیشتر در مرحله شناخت بودم. الحمدالله در جامعه فوتبال هم هیچ‌وقت کسی، نفر دیگری را به‌عنوان مدیر قبول ندارد و با چنین مسایلی هم مواجه بودیم و بالاخره کارها را هر‌طور شده بود، پیش بردیم.

■ موردی که فدراسیون شما از همان ابتدا تابه‌حال با آن جالش داشت و دارد، بحث درآزمایی برای فوتبال و فدراسیون است. شما در این مورد چه اقدامی انجام دادید؟

ببینید؛ مشکلی که ما داریم عدم هم‌خوانی تقاضا و عرضه است. به‌عنوان مثال از بنده می‌خواهند بهترین فدراسیون بهترین مربی‌ها و بهترین افراد را داشته باشیم، ولی ساختار مالی‌اش تعریف نشده است. بودجه‌ای هم که قرار است به آن تعلق بگیرد، جلوش را می‌گیرند. ساختار قوی برای باشگاه‌هایمان می‌خواهند ولی حق‌پخش نمی‌دهند. این‌طور نمی‌شود؛ نمی‌شود که ماشین‌های فرمول یکی را برداری و بعد در اتوبانی که می‌روی سنگ‌اندازی شود. جاده را به‌خاطر برق و گاز و این موارد مدام ببکنند و از شما بخواهند باسرعت رانندگی کنید. این ساختار با آن انتظارات هم‌خوانی ندارد.

همه از ما انتظار دارند دایم جام‌جهانی برویم، المپیک برویم و بهترین تیم‌ها را داشته باشیم، ولی وقتی می‌گویم چه امکاناتی درقبال این انتظارات به ما می‌دهید، اتفاقی نمی‌افتد. بودجه‌ای به ما نمی‌دهند، حق‌پخش نمی‌دهند. فضایی برای ورود مناسب اسپانسرها فراهم نمی‌شود. اسپانسر‌ها کلا جرات حرکت و قدم‌زدن در فضای فوتبال را ندارند.

ورزش

گفت‌وگو با علی کفاشیان رییس فدراسیون فوتبال ایران

نه اصلاح طلبم نه اصولگرا

سجاد فیروزی

■ آقای کفاشیان شما که تحصیلاتتان اقتصاد بوده، تجارت بین‌الملل خوانده‌اید و با این مسایل آشنا هستید. این شم اقتصادپندان کمکی برای درآمدزایی نکرده که فدراسیون این‌قدر از بی‌پولی نالند؟

چرا. ببینید، بازاریابی و اقتصاد در فوتبال مقوله‌ای است که درون خود فوتبال قرار دارد. من زمانی در فدراسیون دوومیدانی بودم و رقتیم کارهای اقتصادی خارج از دوومیدانی انجام دادم. شروع کردم به واردات وسایل ورزشی و از سود آنها دوومیدانی را چرخاندم. خیلی هم پول درآوردم و یک استادیوم هم ساختم، ولی در فوتبال این فرمول جواب نمی‌دهد. من نمی‌توانم کار اقتصادی خارج از فوتبال انجام بدهم؛ اقتصاد و تجارت فوتبال برای خودش تعریف شده است. حالا حتما می‌پرسید یعنی چه؟ یعنی اینکه قانون به شما اجازه بدهد حق‌پخش بگیري، اسپانسر باید فضا را مناسب ببیند و شرکت‌های خارجی هم اجازه واردشدن داشته باشند.

شرکت‌های خارجی عمیقاً دوست دارند بیایند و در ایران تبلیغات کنند، ولی ممنوعیت دارد. کمپانی‌های بزرگ لباس در دنیا عمیقاً دوست دارند به ایران بیایند، بازاریابی‌های ما را قرار داد ببندد و کلی هم پول به ما بدهند، ولی شرایط مهیا نیست.

ما ۱۱۰بار نامه نوشته‌ایم که این موضوع حق‌پخش را در بودجه ببینید، ولی حتی به نامه ما نگاه هم نکرده‌اند. همه ظاهراً به‌دنبال برنامه‌های استان خود بوده‌اند و به این تقاضا نگاه هم نکرده‌اند ولی زمانی‌که جام‌جهانی و جام‌ملت‌های آسیا نرویم، همه می‌گویند آقا برویم تحقیق‌ونحنس کنیم و ببینیم چه اتفاقی افتاد. اینها اتفاقات و قضایات‌های یک‌طرفه‌ای است که به فوتبال صدمه می‌زند.

کفاشیان می‌رود و فردا کفاشیان دیگری می‌آید و شرایط همین خواهد بود و فرقی نمی‌کند. حالا هرچه من بخواهم فکر اقتصادی داشته باشم.

■ بالاخره نکتقید از تحصیلات اقتصادی‌تان استفاده کردید یا نه؟

بله من هم از شم اقتصاددای‌ام استفاده کرده‌ام و منابع زیادی جذب کردم. آکادمی فوتبال ما هیچ چیز نداشت به غیر از دوزمین چمن. ما زمین چمن مصنوعی ساختیم، زمین فوتبال ساحلی به وجود آوردیم، خوابگاه ساختیم، پژوهشکده ساختیم، مرکز ریکواری‌سنتر کلینیک ورزش ساختیم. اینها همه از درآمدهایی بوده که داشته‌ایم ولی این درآمد بیش از یک‌دهم چیزی که باید باشد هم نیست. حالا اسپانسری از این طرف بیاید و اسپانسری از طرف دیگر، ولی مگر چقدر می‌شود؟ همه اینها پول یک مربی خارجی ما هم نمی‌شود. من اگر بخواهم مربی خوب خارجی داشته باشم باید سالی هفت، هشت، ده میلیاردتومان پول بدهم. اسپانسر خیلی به من پول بدهد هفت، هشت‌میلیاردتومان. ضمن اینکه خیلی‌ها می‌ترسند به فوتبال بیایند.

■ ترس برای چی؟ به جای اینکه کسی را که می‌آید در فوتبال تبلیغ می‌کند، تشویق کنند، هزار مورد به او می‌چسباند که بیچاره می‌ترسد و فرار می‌کند. می‌گویند بروم در رشته‌های ورزشی دیگر سرمایه‌گذاری کنم، مدرسه بسازم، بیمارستان بسازم که حداقل از من تعریف کنند. چنین شرایطی است که روبه‌رو ما را ضعیف‌تر می‌کنند و از بین می‌برند.

■ تا از بحث حق‌پخش رد نشده‌ایم اجازه بدهید این سوال را بپرسم و از شما بخواهم صادقانه به آن پاسخ بدهید. همه می‌دانند که فدراسیون فوتبال پیشنهادهاتی از تلویزیون‌های خارجی داشت. شما از جای خاصی تحت فشار قرار گرفتید که به این پیشنهادات پاسخ ندهید؟

پیشنهاد خوب داشتیم و هنوز هم داریم. تحریم‌ها هم که از بین برود این پیشنهادات بیشتر می‌شود ولی متاسفانه چون این موضوع در انحصار صدواسیما است اجازه نمی‌دهد که نه از سیگنالش استفاده شود و نه باب مذاکره‌ای باز شود. یک‌بار هم که ما تصمیم گرفتیم جلوی ورود دوربین‌ها را بگیریم چنان جوی به راه افتاد که ترسیدیم و گفتیم باید دوباره بخش کنید!

■ خب ظاهراً شما جواب مدیریتی‌دادن را خوب

یاد گرفته‌اید! واقعاً شما را...

جواب مدیریتی است دیگر! پس چیست؟ (می‌خندد)

■ می‌خواستم بپرسم که...

واقعیت‌ها را دارم می‌گویم. می‌خواهی سیاسی جواب بدهم؟



یعنی حجت را تمام کردیم که نگویند اینها سرخود کار می‌کنند. یعنی همه راه‌ها را رفتیم تا رسیدیم به آن موقع که دیگر جلوی ورود دوربین‌ها را گرفتیم. به‌نظرم این رویه مذاکرات باید دوباره ادامه پیدا کند. نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد که حمایت نکردند. شاید آنها هم از جای بالاتری تذکر گرفتند.

■ شخص شما در آن برهه به شدت مورد انتقاد بودید. عملکرد فدراسیون، نتایج تیم‌های پایه و یکی، دو مساله دیگر وجود داشت که در آن مقطع به شدت شما را تحت فشار گذاشته بود. این راه‌اندادن دوربین‌ها بهانه‌ای برای فرار از این انتقادات نبود؟

نه، این‌طور نبود. استارت این کار از چندین ماه قبل خورده بود. ضمن اینکه باشگاه‌ها در این موضوع ذی‌نفع هستند من که ذی‌نفع نیستم. فوتبال ذی‌نفع قضیه است. من که نمی‌توانم هم مدیریت کنم و هم هرکسی هرچیزی گفت بگویم چشم و بلبه‌قریان‌گو باشم. چنین مدیریتی به درد من نمی‌خورد. مدیریت باید موثر باشد. این تصمیمی بود که ما با باشگاه‌ها گرفتیم.. در مجمع مطرح شد، جلسه گذاشتیم و همه راضی بودند به این قضیه. همه هم قبول دارند که در این مورد به ما زور می‌گویند و بعد توقعات زیادی هم دارند.

ادامه در صفحه ۱۸

منهای پایتخت

امام جمعه مشهد:

خطر تحجر حوزه‌های علمی کشور را تهدید می‌کند

● مشهد – ایرنا: آیت‌الله سیداحمد علم‌الهدی، امام‌جمعه مشهد: خطر تحجر و اسلام آمریکایی معضلی است که جامعه حوزوی کشور را تهدید می‌کند. تحجر در لغت به‌معنای سنگ است و متحجر کسانی هستند که در یک موقعیت مانند سنگ رسوب می‌کنند و حاضر نیستند جابه‌جا شوند یا رسوبات خود را از بین ببرند، اما تحجر در زمینه اجتماعی و سیاسی به معنای انقلاب‌ناپذیری است. تحجر ریشه‌دارترین اصطلاح و تعبیر در تاریخ اسلام است که پیدایش آن به قبل از اسلام بازمی‌گردد.

توسط کانون وکلای کرمانشاه

تندیس حقوق بشر به مولوی عبدالحمید اهدا می‌شود

● کرمانشاه-ایسنا: کمیسیون حقوق‌بشر کانون وکلای دادگستری استان‌های کرمانشاه و ایلام قصد دارد تندیس حقوق‌بشر سال ۹۳ را به مولوی عبدالحمید اهدا کند. شهاب تجری، رییس کمیسیون حقوق‌بشر کانون وکلای دادگستری استان‌های کرمانشاه و ایلام، در نشست خبری با اعلام این موضوع گفت: در دوسال گذشته این کار انجام شده و در سال ۹۱ تندیس حقوق‌بشر به پرویز پرستویی به همراه بهمن پرورش و در سال ۹۲ این تندیس ارزشمند به شهرام نظری اهدا شد. تجری ادامه داد: امسال نیز پس از بررسی‌های کمیته نام‌برده در میان نامزدهای اعطای این جایزه، درنهایت با اکثریت آرا، مولوی عبدالحمید (امام‌جمعه اهل‌سنت سیستان‌وبلوچستان) شایسته دریافت این تندیس شناخته شد. رییس کمیسیون حقوق‌بشر کانون وکلای کرمانشاه افزود: مولوی عبدالحمید سال‌هاست به منادی دوستی میان شیعه و سنی در استان سیستان‌وبلوچستان معروف است، اما دلیل اصلی انتخاب این شخصیت بزرگ کشور برای دریافت تندیس مهر، تلاش اثربخش ایشان در زمینه آزادسازی سربازان ایرانی بود.

IEON
Since 1960

هدیه‌ای متفاوت



کارت هدیه

بهترین هدیه برای مدیران بانکها، شرکت ها و سازمان ها

خدمتی نوین از رستوران لئون

برگزاری مراسم ، جشن ها، جلسات اداری

از ۱۰ نفر تا ۱۰۰ نفر در رستوران های لئون

فرشته: سام ستر – طبقه ۸
تلفن : ۲۲۶۵۳۸۴۱

نیاوران: خیابان دکتر باهنر(نیاوران)
قبل از دوراهی درازشیب
تلفن : ۲۲۷۲۴۴۰۰-۲۲۷۲۴۲۰۰

www.leon1960.com

آبان جنوبی: خیابان کریم خان زند
خیابان آبان جنوبی، بیش چهارراه ورشو
تلفن : ۸۸۹۳۰۳۶۳-۸۸۹۰۶۲۵